خواهد بود چون سوء کردار و احوال ساز و ردی کشف کرده سفیر که پیغام از و بظهور رسد و سفر یعنی کتاب که بمضمون سخنان بواسطهٔ اطلاع افتد و از اهست کشف
احوال است و ز دست یعنی سواری که اظهار شجاعت و جلادت و سرف کرباغو است در بذل و انتشار آن در سیف که باقید فن است خود
بمعنی بودن و علی هذا القیاس تمامی این سخن در علم اشتقاق پنهان شده اما تاویل در لغه باز گردانیدنست و بمعنی راست کردن نیز آید و باصطلاح
علما صرف سخنست از ظاهر بباطن و راست کردن آن از وجوه معتبره و در معالم التنزیل آورده که تاویل باز گردانیدن کلامست از صورت بصوب معنی محتمل
شرط آنکه موافق سخن بماقبل و مابعد و دیگر عدم مخالفت با کتاب و سنت و معنی هر سخن که بزیور اتفاق با کلام الهی زینت اعتصام با حادیث حضرت
رسالت پناهی علیه افضل الصلوة و اکمل التحیات آراسته نباشد همین ضلالت و محض غوایت خواهد بود و چه متمسک ارباب دین و معتصم اصحاب یقین این
دو حبل متین نیست بیت دست در دو حبل یزدان زن و اخبار رسول : هر چه مینی بجز این هر دو فسانه است و هوس : و علما را از اوراق بیانه تفسیر و تاویل
سخن بسیار است و بعضی مختلف بحرف و عبارت و بعضی متغایر بحسب معنی و از ایراد خلاصه سطری از انها گریز نیست و استاد امام منصور تربتی
رحمه الله در تاویلات آورده که تفسیر اخبار است از کسی که قرآن در شان او فرود آمده باشد از سببی که نزول بدان سبب واقع گشته و آن علم حقیقت
کمشاهده نزول و اسباب آن فرموده باشند یعنی صحابه کبار رضی و درین باب بر نقل روایت سخن شوان گفت اما تاویل توضیح آن چیزیست
از معانی که لفظ آنرا محتمل باشد و این علم اهل فقه و کلامست پس تفسیر از آن صحابه باشد و تاویل از آن فقها و متکلمان و از ین کلام چنان مفهوم میشود
که تفسیر را بسمع حاجت بحدیث و تاویل احتمال بوجه کثیره دارد و در روضة التاج مذکور است که تاویل صرف کلام باشد از صوت و باز گردانیدن آن معنی که
صوت و باز گردانیدن بدان حال بود و چنانچه مثلا از ظاهر نفی اراده اثبات کنند و در مثل لا اقسم بهذا البلد یا از لفظی عام تخصیص خاص کنند
چون قال لهم الناس که مراد از ناس یک شخص معین است یا بر عکس چون فاعلم انه لا اله الا الله که مخاطب خاص است در لفظ و خطاب
عام از تسنی و علی هذا علما را امثال تصورات شروع کردن تجویز داشته اند اما چون تفسیر امر توقیفی است در آن برای و عقل خود خوض کردن
نشاید و امام محیی السنه رحمه الله باسناد خود آورده از ابن عباس رضی از حضرت رسالت صلعم من قال فی القرآن بغیر علم فلیتبوأ مقعده من
النار هر که در قرآن بی دانش سخن گوید یعنی از قبل نفس خود برای عقل خود گو آماده سازد جای خود در آتش دوزخ و امام کیا دیلمی رحمه الله در
فردوس الاحادیث باسناد خود آورده که سید عالم صلعم فرموده که من فسر القرآن برایه واصاب کتب علیه خطیئة لو قسمت
بین الخلایق لوسعتهم یعنی هر که قرآن برای خود تفسیر کند و فی نفس الامر سخن او مطابق واقع افتد و سهم اعتقاد اجتهادش بهدف مراد آمد
کاتبان دیوان عمل او این گونه بروی گناهی نویسند که اگر آن را بهمه خلایق قسمت کنند همه ایشان را فرا رسد این تهدید عظیم در شان
کسیست که تفسیر قرآن برای خود گوید و سخن او راست و موافق بی خطا و بی خلل افتد پس اصابتی تو را چنین عقوبتی مترتب شود
اگر کسی گوید برای خود گوید و خطا کند نعوذ بالله تباهی حال وی چه مثال خیال توان بست از مثل این گستاخیها و پناه بحمایت عصمت الهی
باید داد و قدم از دایره ادب فراتر نباید نهاد و بیت از ادب پر نور گشتست این فلک : وز ادب معصوم و پاک آمد
ملک : هر چه بر تو آید از ظلمات غم : آن ز بی باکی و گستاخیست هم : بی ادب تنها نه خود را داشت بد : بلکه آتش در همه آفاق زد :
این مرشد و تهویل که بر تفسیر و تاویل خود رایان متفرع است بر تاویل رهنمایان و مشکل گشایان نیست چه اینجا بجهه باز نمودن معانی

نو

محتمله و استنباط فرمودن احکام فقه و کلام بنای کار بر فکر و تدبر نهاده اند و آن بنسبت قرآن بر نهج مسموع باشد نه و رد و ممنوع
در بنا هیچ آورده که از منع قرآن آنچه در آن برای خود خوض شوان کرد و نزول آیات و اسباب آنست و اسماء رجال و ذوالقرنین عیسی و خروج دجال
و دابة الارض و ومرتبه یاجوج و ماجوج و آنچه عقل بدان راه نبرد و آنچه از آن سخن توان گفت استخراج حقایق و احکام است کما قال فان
تنازعتم فی شیء فردوه الی الله ای الی کتاب الله و رجوع بکتاب خدا میسر نشود جز باستدلال و باستعمال رای چنانچه خلفاء الراشدین
و باقی ائمه دین رضوان الله علیهم اجمعین کرده اند و اگر نه و بعوذی بران اقدام کردندی و دعاء که حضرت نبوی صلعم در شان عبد الله بن عباس رضی
بنقل صحیح روایت کرده اند اللهم فقهه فی الدین وعلمه التاویل مستدلی تمام است بجهه تجویز تاویل اگر تاویل موقوف بر سماع نیست تا این
معنی این دعا و تخصیص تاویل فایده باشد و از مقدمات معلوم شد که تفسیر نقلیست و تاویل عقلی امام راغب آورده که تفسیر در الفاظ باشد
و تاویل در معانی و در عین المعانی آورده که تفسیر عبارتست از بیان لفظ چنانچه لا ریب فیه ای لا شک فیه و تاویل اشارتست به بیان معنی چنانکه
گویی لا شک عند المؤمنین و در احقاق آورده که تفسیر کشف ظاهر است و تاویل کشف باطن و در تیسیر آورده که تفسیر روشن کردن روی سخن است
و تاویل پیدا کردن منتهی سخن پس تفسیر گشایش باشد و تاویل نمایش و گفته اند تفسیر متعلق است بمحکمات و تاویل خاصیت بمتشابهات
و جمعی تفسیر آنرا گویند که مختلف فیه بود و تاویل اگر این اقوال معانیست که تفسیر تعلق بروایت دارد و تاویل بدرایت والله اعلم عنوان هشتم در بیان متشابهات
این باب از جمله الفاظ است و در میان ارباب تفسیر محکم و متشابهست و خاص و عام و قصص و امثال آن و معنی هر یک ایمانی آمده و اما محکم آنست
که لفظش مطابق معنی باشد و دلالت ظاهرش بر مراد مخفی نباشد و متشابه آنست که مراد از لفظ بسهولت معلوم نباشد و آیات قرآن بر دو قسمست
آیات محکم و متشابه قال الله تعالی منه آیات محکمات هن ام الکتاب واخر متشابهات و قولی دیگر آنست که دلالت الفاظ بر جمیع معانی
مقصوده از آن بر سبیل مطابقه است یا نه اگر لفظ احتمال یک معنی بیش ندارد که آن مقصود است یا محتمل غیر معنی مقصود نیست اول را نص
خوانند چنانچه والهکم اله واحد و قسم ثانی که احتمال معانی مقصوده و غیر آن دارد یا دلالت او بر جمیع معانی محتمل است او مساوی
یا نه نوع اول مجمل گویند چنانچه ثلثة قروء و نوع ثانی را بنسبت باعتبار معنی راجح خوانند چنانچه ولا تنکحوا ما نکح آباؤکم من النساء
بنسبت بمعنی مرجوع متأول گویند چنانچه الله فوق ایدیهم پس ازین چهار قسم نص و ظاهر را محکم باشد و مجمل و متأول متشابه و باصطلاح
اصولیان محکم کلامی باشد در غایت وضوح در افاده معنی که قابل نسخ نبود و درجه او از مفسر ارفع دانند چنانچه مفسر را از نص و نص را از ظاهر
اکمل می شناسند و متشابه آنرا گویند که اصلا بدرک و راه شوان برد و خفی از مجمل و مشکل اخفی باشد و طلب دراو غیر سقوط داخل و ان
در و بر تسلیم چاره ندانند چنانچه محکم در غایت ظهور است بحیثیتی که از تحت نسخ مامون مانده متشابه در غایت خفاست بدان مثابه
که رجا از بیان او منقطع شده و محققان گفته اند ایمان لازمست بر هر چه خدای تعالی در صفت خود از آن خبر داده و چون و چرا نه و جنب آنرا
و امثال آنرا بحکم عقلی تاویل نکنی و قال العظیم قدس الله اسرارهم جمیع صفاتی که در قرآن و حدیث آمده و لست عقل هم را از آن معنی
فهم میکند و از ادراک حقیقت آن کماهو مراد الله و رسوله فی نفس الامر قاصر اند مثل وجه و عین و ید و یمین و اصبع و مانند آن و سبب قصور
میل بتاویل مینمایند و حق آنست که این جمله از صفات او سبحانه باید دانست و بوی اضافه باید کرد اما معنی تشبیه و تاویل و تحریف

Copyright © King Saud University